

### **Criminological investigation of genocide with emphasis on Myanmar`s case**

#### abstract

One of the worst crimes committed by some people against their own people is genocide. During the history of the crime, this crime has been repeatedly committed in recent years in the land of Myanmar and thousands of people have been subjected to the crime of belonging to A particular religious group (Muslims) has been targeted by perpetrators of genocidal crimes and have been severely misidentified. The distinction between the crime of genocide and other crimes within the jurisdiction of the International Criminal Tribunal constitutes the victimization of this crime to a particular ethnic, national, racial or religious group, and committed crimes of genocide in Myanmar, including the victim's belonging to the religious group of Muslims Found. In this article, we will try to examine the crime of genocide with a criminological approach and, in this context, to highlight the status of Myanmar as one of the examples of the lands where genocide has taken place.

Keywords: Genocide-Criminological Examination-Myanmar

**بررسی جرم شناختی نسل کشی با تاکید بر قضیه میانمار**محمد نصیریان مفیدی<sup>۱</sup>محمد ابراهیم شمس ناتری<sup>۲</sup>مهدی شیدائیان<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

**چکیده:**

یکی از فجیع‌ترین جنایاتی که برخی از انسان‌ها علیه هم‌نوعان خود مرتکب می‌شوند نسل‌کشی می‌باشد. در طول تاریخ این جرم به کرات به وقوع پیوسته و در سال‌های اخیر نیز در سرزمین میانمار ارتکاب یافته و هزاران انسان به جهت تعلق به یک گروه مذهبی خاص (مسلمانان) مورد حمله مرتکبین جرم نسل‌کشی قرار گرفته و به طرز فجیعی مورد جنایت واقع شده‌اند. وجه تمایز جرم نسل‌کشی از دیگر جرایم داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی تعلق قربانیان این جرم به یک گروه خاص قومی، ملی، نژادی یا مذهبی می‌باشد و جنایت نسل‌کشی ارتکابی در کشور میانمار نیز با در نظر گرفتن تعلق قربانیان به گروه مذهبی مسلمانان ارتکاب یافته است. در این مقاله سعی خواهد شد جنایت نسل‌کشی با رویکرد جرم‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته و در این رهگذر وضعیت میانمار به عنوان یکی از مصادیق سرزمین‌هایی که نسل‌کشی در آن‌جا به وقوع پیوسته است تبیین گردد.

کلید واژه‌ها: نسل‌کشی - بررسی جرم‌شناختی - میانمار

<sup>۱</sup>گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران<sup>۲</sup>استاد و عضو هیات علمی دانشگاه تهران، پردیس قم (نویسنده مسؤل)<sup>۳</sup>استاد و عضو هیات علمی دانشگاه تهران، پردیس قم

از زمان خلقت ابناء بشر عصیان و گناه پدیدار و قتل هاییل از سوی قابیل به عنوان اولین جنایت یک انسان علیه هم نوع خود در تاریخ بشریت ثبت شده و انواع جرایم بشمار توسط برخی از انسان ها نسبت به برخی دیگر به وقوع پیوسته است از جمله جرایمی که میلیون ها انسان را به کام مرگ کشانده و به عنوان یکی از فجیع ترین جنایات انسانی داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی معرفی شده، نسل کشی می باشد. بررسی های در مورد نسل کشی ها دلالت بر این دارد که این جنایت علیه انسان هایی ارتکاب یافته که به یک گروه خاص ملی، قومی، نژادی یا مذهبی تعلق داشته اند و مرتکبین این جنایت قربانیان خود را به جهت تعلق به یکی از گروه های مذکور، انتخاب کرده اند؛ تعلق قربانیان جرم به یکی از گروه های یاد شده وجه تمایز این جنایت از سایر جنایات داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی است. در اعمال پنج گانه که به عنوان مصادیق نسل کشی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مطرح گردیده تعلق قربانیان جرم به یک گروه خاص مورد تأکید است و احراز این موضوع برای مجرم شناختن مرتکب یا مرتکبین به ارتکاب جرم نسل کشی مهم می باشد. برای ارتکاب یک جرم عوامل مختلفی ممکن است وجود داشته باشد و هر یک از جرایم آثار خاص خود را بر جای می گذارد؛ جنایت نسل کشی از این قاعده مستثنا نبوده و عوامل مختلف مذهبی، قومی، فرهنگی، سیاسی و ... ممکن است موجب شود تا این جنایت ارتکاب یابد. بدیهی است جرم نسل کشی نیز همچون سایر جرایم آثار متعددی را دارد. از سوی دیگر برای این که بتوان از ارتکاب و تکرار نسل کشی جلوگیری نمود لازم است همچون سایر جرایم از انواع پیشگیری ها بهره برد. در این نوشتار جرم نسل کشی با رویکرد جرم شناختی مورد بررسی قرار گرفته، شرایط و جلوه های تحقق آن در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و آن چه که به عنوان نسل کشی مسلمانان میانمار در سال های اخیر در عرصه بین المللی مطرح شده، تبیین خواهد گردید.

### مبحث اول: مفاهیم و مبانی

#### ۱- مفهوم نسل کشی

**الف) از نظر لغوی:** کلمه ژنوسید از **genos** به معنی نژاد، ملت یا قوم و کلمه لاتین **cide** به معنی کشتن تشکیل شده است. این کلمه را در فارسی به کشتار جمعی، قتل عام، نسل کشی، زیست زدایی، نسل زدایی و مانند آنها ترجمه کرده اند؛ ولی کشتار جمعی متداول تر از بقیه ترجمه ها می باشد. (محاسب، ۱۳۸۶، ص ۱۰)

**ب) از نظر اصطلاحی:** نسل کشی را به معنای کشتار و نابودی یا تخریب عمدی گروه های انسانی یا کل اعضای یک گروه تعریف کرده اند. (کسسه، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵) همچنین براساس کنوانسیون نسل کشی ۱۹۴۸ نسل کشی عبارت از نابودی فیزیکی جمعیتی است که افراد آن عمدتاً به نحو غیر ارادی و غالباً از طریق تولد، به آن تعلق دارند. بدیهی است در مورد جمعیت های مذهبی تعلق می تواند ارادی و داوطلبانه نیز باشد. (همان، ص ۱۱۶) تعریف مندرج در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۸ عیناً در ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین

المللی تکرار شده و منظور از نسل کشی هر یک از اعمال پنج گانه است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می یابد و این پنج اقدام عبارتست از: ۱) قتل اعضای یک گروه. ۲) ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه. ۳) قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی به صورت کلی یا جزئی شود. ۴) اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه صورت گیرد. ۵) انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر.

## ۲- مبانی جرم انگاری نسل کشی

واژه "نسل کشی" را اولین بار رافائل لمکین لهستانی در ۱۹۳۳ در پنجمین کنفرانس وحدت حقوق جزای بین المللی که در مادرید برگزار شد به کاربرد. وی در کتابش راجع به جنایات نازی در اروپای اشغالی آن واژه را استفاده نمود. از نظر او معاهدات مربوط به حمایت از اقلیت های قومی که در فاصله بین دو جنگ جهانی شکل گرفته بودند نقاط ضعف مهمی داشتند از جمله این معاهدات فاقد تمهیداتی جهت حمایت از جنایات علیه گروه ها بودند. لمکین پیشنهاد کرد که اعمال قلع و قمع علیه جمعیت نژادی، قومی، مذهبی یا اجتماعی نباید بدون کیفر بماند. (محاسب، ۱۳۸۶، ص ۱۰ و ۱۱) اهمیت جنایت نسل کشی با مروری بر تاریخچه آن مشخص می شود. بسیاری از انسان ها قربانی این جرم فجیع شده اند بدون آن که نامی از نسل کشی در میان باشد.

جرم انگاری نسل کشی دارای مبانی متعدد می باشد که تعدادی از آن ها به شرح زیر است:

الف) حمایت از موجودیت گروه های خاص ملی، قومی، مذهبی یا نژادی: در هر جامعه ای و سرزمینی ممکن است گروهی از انسان ها از حیث ملیت، قومیت، مذهب یا نژاد نسبت به سایر افراد آن سرزمین در وضعیتی متفاوت قرار گیرند. در این شرایط و بنا به دلایل مختلف احتمال دارد گروهی (اغلب گروه حاکم) اقدامات جنایت کارانه از جمله نسل کشی را نسبت به گروه مقابل انجام دهد؛ مانند کشور راندا که در آنجا خیل عظیم جمعیت هوتویی در مقابل گروه توتسی قرار گرفته و نابودی و نسل کشی توتسی ها را رقم زدند. پس از جنگ دوم جهانی و تأسیس سازمان ملل متحد، اجماعی جهانی برای حمایت از اقلیت های درون مرزهای ملی بوجود آمد و جامعه بین المللی کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل کشی ۱۹۴۸ را که جوهره آن حمایت از اقلیت ها و ملل بی دولت بود تصویب کرد. سند مذکور و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ۱۹۹۸ در راستای حمایت از موجودیت و هویت گروه های یاد شده از دولت های جهان خواسته اند که تدابیر تقنینی و قضایی لازم را اتخاذ نمایند. هرچند به باور لمکین این معاهدات فاقد تمهیداتی جهت حمایت از جنایات علیه گروه ها بودند. (محاسب، ۱۳۸۶، ص ۱۰)

پس از جنگ جهانی اول در عهد نامه های عمومی و خصوصی برای حمایت بین المللی حقوق اقلیت ها اصول و قواعدی تعیین گردید و بسیاری از دولت ها متعهد شدند نسبت به اقلیت های نژادی، مذهبی و زبانی ساکن خاک خود رفتار مساوی با سایر اتباع خود داشته باشند و با تشکیل جامعه ملل مسأله حمایت اقلیت ها

به مرحله جدیدی قدم نهاد و مقرر شد برای تضمین احترام و رعایت حقوق اقلیت ها باید تعهدات دول در مورد اقلیت ها در قوانین اساسی آن ها منعکس شود و علاوه بر این جامعه ملل مراقبت خواهد نمود که این تعهدات اجرا شود. (عمیدزنجانی، ۱۳۷۰، ص ۱۱) با عنایت به این که نسل کشی منجر به از بین رفتن موجودیت و هویت گروه های مذکور می گردد؛ لذا جرم انگاری نسل کشی برای حفظ و حمایت از این گروه ها ضرورت داشته است.

**ب) حفظ ارزش های انسانی:** قرآن کریم انسان را با ارزش ترین مخلوق خداوند می داند و به او ارزش می دهد تا جایی که فرشتگان در مقابل انسان سجده می کنند و این حکایت از ارزش وجودی انسان دارد. از مفاهیم بنیادین حقوق بشر باور داشتن به شأن، حیثیت و کرامت انسان است که از این لحاظ تمامی افراد بشر روی زمین برابرند. انسان در دیدگاه مکاتب الهی به ویژه اسلام آفریده ای است شریف، با ارزش و دارای کرامت ذاتی و فطری. این کرامت انسانی در غالب ادیان، مکتب های فلسفی و اخلاقی مورد توجه است. در هر کدام از ادیان به کرامت انسان و سعادت او به عنوان هدف اصلی نگریسته شده است و دستوراتی در مورد شأن انسان و منزلت او وجود دارد. هدف اصلی و غایی همه ادیان، گرمی داشتن کرامت انسانی و سعادت اوست. ( پروین، ۱۳۹۵، ص ۱۰۳ و ۱۲۲) ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر که همه افراد بشر را موظف می کند برادرانه با یک دیگر رفتار کنند ترجمه جمله ای از انجیل است. مسیحیان حقوق بشر را با این آیه از انجیل موافق یافته اند که می گوید: با دیگران کاری مکن که دوست نداری آنان درباره تو چنان رفتار کنند. یهودیان هم حقوق بشر را با موارد موجود در « ده فرمان» از کتاب تورات مطابق می دانند. بر اساس گزارشی ارائه شده در سال ۱۹۶۰ به سازمان ملل، همه مذاهب و عقاید و اصول اخلاقی چیزی نظیر اصل لزوم کرامت افراد بشر را خاطر نشان ساخته اند. در کنفرانس توکیو ۱۹۷۰ هم تأیید شده که علاوه بر مسیحیت سایر ادیان نیز در راه به ثمر رساندن اصول حقوق بشر تلاش کرده اند. (همان، ص ۱۰۴) با ارتکاب نسل کشی کرامت و ارزش های انسان لگدکوب و نابود می گردد و هر یک از مصادیق و رفتارهای مادی نسل کشی موجب از بین رفتن شأن و جایگاه انسانی انسان ها می شود؛ بنابراین با جرم انگاری نسل کشی این امید وجود دارد افرادی که ارتکاب این جنایت را بالقوه در اذهان خود تصور می نمایند، به لحاظ جرم بودن عمل و مجازات های تعیین شده برای این رفتار مجرمانه از تصمیم خود صرف نظر نمایند و کرامت و ارزش های انسانی انسان های دیگر را نابود نسازند.

**ج) پیشگیری از نسل کشی:** کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی ۱۹۴۸ به صراحت بر پیشگیری از نسل کشی تأکید دارد و همانگونه که در عنوان این کنوانسیون آمده است یکی از اهداف اصلی این معاهده پیشگیری کردن از ارتکاب نسل کشی می باشد. در دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز پیشگیری از جنایات هولناکی که صلح، امنیت و آسایش جهان را تهدید می کند یکی از انگیزه ها و اهداف اساسنامه عنوان شده است و نظر به این که نسل کشی یکی از جنایات داخل در صلاحیت دیوان مذکور معرفی شده است؛ بنابراین پیشگیری از نسل کشی یکی از مبانی جرم انگاری این جرم می باشد.

**د) محاکمه و مجازات عاملان نسل کشی:** وقوع جنایات جنگی گسترده و نقض فاحش حقوق بشر و جرایم ضد بشریت که به طور جدی صلح و امنیت بین المللی را مورد تهدید قرار داده بود و از طرفی مصون ماندن

عاملان این جنایت‌ها از تعقیب و مجازات به جهت نقص یا عدم کفایت سیستم قضایی داخلی، جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا محاکم قضایی بین‌المللی را جهت تعقیب کیفری جنایات جنگی شکل دهند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یکی از مهم‌ترین معاهداتی است که جهت تأسیس یکی از همین مراجع قضایی بین‌المللی تدوین و به تصویب رسیده است. یکی از عبارات مهم به کار رفته در عنوان کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی ۱۹۴۸ "مجازات" عاملان نسل‌کشی می‌باشد و با توجه به عنوان این کنوانسیون یکی از اهداف اصلی این معاهده بین‌المللی مجازات کردن مرتکبین جنایت نسل‌کشی می‌باشد. تمام کسانی که تلاش نموده تا نسل‌کشی را به عنوان یک جرم در سطح بین‌المللی معرفی نمایند یکی از اهدافشان این بوده است که جنایتکاران این جرم به علت نواقص یا ضعف قوانین ملی کشورها و یا عدم اراده مسوولان داخلی از محاکمه و مجازات فرار نمایند و مرجعی بین‌المللی با اتکا به یک قانون فراملی به استناد این که قبلاً نسل‌کشی جرم انگاری شده و برای عاملان آن مجازات پیش‌بینی گردیده است، بتواند با تعقیب متهمین این جرم و رسیدگی قضایی، آنان را به سزای اعمال خود برساند.

### ۳- شرایط و جلوه‌های تحقق نسل‌کشی در ICC

نسل‌کشی‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی به ویژه در یوگسلاوی سابق و رواندا، سازمان ملل متحد و شورای امنیت را وادار کرد تا تلاش‌ها و اقداماتی را جهت تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی برای مبارزه با جنایات بین‌المللی و از جمله نسل‌کشی انجام دهد و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را به تصویب دولت‌های عضو برساند. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و در ماده ۶ آن منظور از نسل‌کشی هر یک از اعمال پنج‌گانه ای معرفی شده که به قصد نابودکردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد. ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر لزوم احراز عنصر روانی جرم تأکید می‌کند. با توجه به این که نسل‌کشی جنایتی است که با انگیزه برتری‌جویی‌های گروهی و به قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه انجام می‌شود لذا اساسنامه مذکور قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی را از حیث عناوین ذکر شده لازمه تحقق این جنایت بر شمرده است.

### ۴- نگاهی به قضیه میانمار

جمهوری سوسیالیستی متعهد برمه در منطقه جنوب شرق آسیا واقع می‌باشد و دارای ساحلی طولانی با خلیج بنگال و دریای آندمان است. این کشور کوهستانی از نظر منابع طبیعی و زمین‌های کشاورزی بسیار غنی و دارای معادن بزرگ سنگ‌های قیمتی هست. برمه کشوری باستانی است که نخستین سکنه این سرزمین در سالهای اولیه مسیحیت در آنجا اقامت گزیدند. تا پایان جنگ دوم جهانی برمه به عنوان قسمتی از شبه‌قاره هند جزو مستعمرات انگلستان قرار گرفت. در ادوار گذشته مردمانی از نژاد چینی و هندی به برمه مهاجرت کرده و در نقاط مختلف این کشور سکونت گزیده‌اند و سایر ملل نیز از طریق دریا به کشور برمه دسترسی پیدا کرده‌اند. این کشور از نظر نژادی و قومی دارای گونه‌های مختلف اجتماعی می‌باشد و جدا بودن اقوام مختلف از یکدیگر در برمه سبب به وجود آمدن هویت‌های مختلف محلی و در نتیجه احساسات ملی و جدایی طلب در

بین اقوام مختلف گردیده است. یکی از مسائل عمده دولت برمه همواره مبارزه با شورش‌های محلی و مهار کردن کمک‌های خارجی به شورشیان بوده است. آغاز استقلال برمه با شروع جنگ‌های داخلی همزمان و اقوام و گروه‌های سیاسی مختلف به جان یکدیگر افتادند. مسأله نا آرامی‌های اقلیت نژادی، گسترش دین بودایی و ترس از سیاست‌های شوروی (سابق) و چین تأثیر عمیقی در سیاست‌های دولت به جای گذاشته و دولت برمه از بدو استقلال تا کنون درگیر این معضلات بوده است. گروه‌های نژادی مشکلات عمده‌ای برای دولت برمه ایجاد کرده‌اند که یکی از اقلیت‌های مهم برمه اقلیت چند میلیون نفری مسلمانان می‌باشد. تاریخ گسترش اسلام در برمه به قرن اول هجری برمی‌گردد. دریانوردان عرب و ایرانی که قرن‌ها قبل از ظهور اسلام به سفرهای تجاری تا آسیای جنوب شرقی و سواحل شرقی چین دست می‌زدند، بعدها راه کوتاه تری برای خرید کالاهای چینی از طریق سواحل برمه تا غرب چین یافتند و بعد از ظهور اسلام نیز مسلمانان مسافرت‌های دریایی خود را به همین طریق ادامه می‌دادند و در مسیر خود احیاناً دست به تبلیغ و دعوت مردم به اسلام می‌زدند. از همان سال‌های اولیه قرن اول هجری بسیاری از اولیاء و مبلغان به ترویج دین جدید در سواحل مختلف آسیا مشغول گردیده، حتی تا فیلیپین و چین نیز پیش رفته بودند. بعدها بازرگانان مسلمان عرب، ایرانی، مغول، اندونزیایی و مسلمانان شمال آفریقا جهت کاستن از طول سفرهای دریایی، در سواحل برمه لنگر انداخته و از مسیرهای زمینی که از منطقه غربی برمه و ایالت (آراکان) این کشور می‌گذشت، به مناطق غربی چین سفر می‌کردند. بسیاری از این افراد در منطقه حاصل‌خیز و معتدل ساحلی آرکان رحل اقامت افکندند و اولین مناطق تجمع مسلمانان را ایجاد کردند. مسلمانان آرکان مدت‌ها جهت کسب خود مختاری با دولت برمه مبارزه کرده‌اند. با گسترش ممالک اسلامی در هند و ترویج اسلام در بنگال و تبدیل آن منطقه به یک مملکت و سلطان‌نشین اسلامی، منطقه غربی برمه (ایالت آرکان) تحت نفوذ مسلمانان بنگال و هند قرار گرفت. در سال ۱۸۸۶ میلادی با تسلط کامل انگلیس بر برمه پای هندی‌ها من جمله مسلمانان بنگالی بر برمه گشوده شد و در ۱۹۲۱ تقریباً نیم میلیون نفر مسلمان هندی در برمه ساکن شده بودند. مهاجرت مسلمانان هندی به برمه و به دست گرفتن مشاغل عمده تجاری باعث نارضایتی مردم برمه شد و در ۱۹۳۰ و ۱۹۳۸ اغتشاشات گسترده‌ای علیه مهاجرین هندی صورت گرفت.

هرچند در گذشته نظامیان برمه‌ای سایر اقلیت‌های قومی را نیز مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند از جمله در مورد تایلندی‌ها خشونت بسیاری روا داشتند؛ لیکن رفتارشان با مسلمانان خشونت‌بارتر بوده است. از ۱۹۹۲ تعداد زیادی از مسلمانان این کشور به بنگلادش مهاجرت نموده یا خانه‌های خود را ترک و به اردوگاه‌های مرزی پناهنده شده‌اند؛ این ماجرا سبب برخوردهای شدید ماموران مرزی برمه و بنگلادش گردیده است. دولت برمه برای تقویت مسأله ناسیونالیسم و ملیت‌گرایی در جهت حفظ هدف ملی به خصوص در سطح دانشگاه‌ها دست به فعالیت زده و کمیته‌های دانشجویان از طرف دولت تاسیس و مأموریت یافته‌اند مطالعات وسیعی درباره راه‌های حفظ همبستگی ملی اتحادیه برمه انجام دهند.

در سال‌های گذشته مردم مسلمان آرکان و روهینگا چندین گروه پارتیزانی و غیرنظامی را سازماندهی کرده‌اند؛ ولی چون از رهبری واحدی برخوردار نمی‌باشند، هر یک از آنها علاوه بر نزاع بین خود علیه دولت

مرکزی نیز مبارزه می نمایند و هیچ جبهه متحد دفاعی برای جلوگیری از حرکت دولت تشکیل نداده اند. دولت برمه در ۱۹۶۱ طی مصوبه قانونی آیین بودایی را به صورت دین رسمی مملکت درآورده بود، لکن بعدها قانون مزبور را لغو و آزادی مذاهب را اعلام داشت؛ ولیکن مسلمانان از این آزادی بهره ای نبرده اند.

نظامیان میانمار در چهارچوب مبارزه ای گسترده علیه مسلمانان آنها را با قساوت و بی رحمی به سوی مرزهای بنگلادش می رانند. نشریه انگلیسی «ساندی تایمز» در گزارشی از جنایات هولناک چکمه پوشان برمه ای خاطر نشان می کند. نظامیان مردم مسلمان را مورد ضرب و شتم قرار داده، زنان را در جلو چشم دیگران مورد تجاوز قرار می دهند، مردان را مصلوب و به قتل می رسانند. هر روز مسلمانان فراری زیادی با سرگذشتی هولناک و داستان های تکان دهنده ای از فشارهای نظامیان برمه ای خود را به اردوگاه های مرزی که غذا به اندازه کافی یافت نمی شود و انواع بیماری ها رواج دارد می رسانند. بر اساس این گزارش نظامیان قصد دارند بودایی ها را به ایالت آراکان در غرب برمه که مسلمانان نشین بوده است، گسیل دارند. (مفضلی، ۱۳۷۴، تلخیصی از کل کتاب)

### مبحث دوم: اهداف، عوامل و آثار نسل کشی

بدیهی است مرتکبین هر یک از جرایم داخلی و بین المللی از ارتکاب جرم مورد نظر خود هدف یا هدف هایی را دنبال می کنند و از سوی دیگر عامل یا عواملی موجب می شود تا یک فرد دست به ارتکاب جرم بزند. همچنین واضح است که هر یک از جرایم ارتكابی موجب می شوند تا آثاری بر جای بماند و جنایت نسل کشی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مرتکبین نسل کشی برای دستیابی به اهدافی این جنایت را مرتکب می شوند؛ ضمن آن که عوامل متعددی موجب ارتکاب نسل کشی شده و آثاری مختلف و ویرانگری از این جرم برجای می ماند.

۱- اهداف نسل کشی: وجود قصد خاص یا به عبارت صحیح تر انگیزه و داعی مرتکبان در نابودی تمام یا بخشی از گروهی خاص، مشخص کننده جایگاه نسل کشی نسبت به دیگر جنایات می باشد. اصولاً انگیزه مرتکبان در تحقق جرم بی تاثیر است، به جز آن که در محدوده تخفیف یا تشدید مجازات و نه در اصل مسؤولیت ملحوظ نظر قرار گیرد؛ لیکن جنایاتی مثل نسل کشی به دلیل ماهیت ویژه خود اساساً بر مدار انگیزه خاص به منصف ظهور رسیده تا مرز ظریف خود را از سایر جرایم به ویژه جنایات علیه بشریت نمایان سازد. بنابراین در نسل کشی اعمال احصاء شده در بندهای پنج گانه اساسنامه دیوان باید به قصد خاص یا به عبارتی بهتر به انگیزه نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام شده باشد (شریفی، ۱۳۹۰، ص ۸۱) با توجه به آنچه که بیان گردید هدف اصلی از ارتکاب نسل کشی نابودی تمام یا بخشی از یک گروه خاص می باشد و مرتکبین جنایت نسل کشی قربانیان خود را به این دلیل که به یکی از گروه های علق دارند انتخاب می کنند و نابودی همه آنها یا بخشی از آنها هدف اصلی مرتکبین جنایت نسل کشی می باشد؛ بنابراین انگیزه نابود نمودن و از بین بردن یک گروه به صورت کامل یا بخشی از آن گروه هدف غایی مرتکبین جنایت نسل کشی می باشد؛ هرچند که یکی از پیچیدگی های نسل کشی همین احراز انگیزه نابودی گروه است که



اگر غیر ممکن نباشد بی تردید غامض و مشکل بوده و همین ضابطه، دستاویزی به دست جانیان به ویژه دولتمردان و صاحبان قدرت داده است تا با اهرم ساده انگار، از اتهام به این جرم‌رہایی یابند. (همان، ص ۸۲) اما صرف نظر از این که در تمامی نسل کشی‌های طول تاریخ بشریت نابودی تمام یا بخشی از یک گروه خاص هدف نهایی و مشترک همه مرتکبین جنایت نسل کشی بوده است، برای هر یک از جنایت‌های نسل کشی رخ داده در سرزمین‌های مختلف می‌توان اهداف مخصوص به آن را نام برد که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

**الف) نسل کشی برای تشکیل کشور مستقل:** در دیوان بین‌المللی دادگستری برای جنایت نسل کشی که در سرزمین بوسنی بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ علیه گروه‌های غیر صرب رخ داد، این گونه اظهار نظر شد که هدف دولت صربستان تلاش برای تشکیل کشور مستقل صرب-بوسنی بوده است و حتی اعلام شد که مدارک ارائه شده دولت بوسنی تکافوی لازم برای اثبات نسل کشی را ندارد. (همان، ص ۸۲) صرف نظر از اثبات یا عدم اثبات جرم نسل کشی در دیوان بین‌المللی دادگستری، باید گفت انسان‌های زیادی با این هدف که مرتکبین خشونت‌ها و کشتارهای سرزمین یادشده به دنبال تاسیس کشوری مستقل بودند قربانی این هدف شوم قرار گرفته و از اولین حق بشری خود یعنی حق حیات محروم شده و جان خود را از دست دادند.

**ب) پاک‌سازی قومی ناظر به پاک‌سازی ملی، مذهبی یا نژادی:** در سرزمین‌هایی که مردم آن دارای تنوع قومیت، ملیت، مذهب یا نژاد می‌باشد، این تفاوت‌ها می‌تواند به عنوان عاملی باشد برای ایجاد تفرقه و اختلاف بین اقوام و چنانچه اقوام مختلف و مردم با مذاهب و نژاد و ملیت متنوع نتوانند با مسالمت در کنار یکدیگر زندگی نمایند و اختلافات مذکور را تحمل نمایند، بدیهی است که با وجود شرایط و عوامل لازم از جمله سیاست‌های دولت یا گروه حاکم، گروه یا گروه‌هایی سعی خواهند نمود تا گروه قومی، ملی، نژادی یا مذهبی رقیب و مقابل را از عرصه رقابت یا زندگی دور نمایند و برای رسیدن به این هدف یعنی پاک‌سازی قومی دست به هر اقدامی خواهند زد و برای نیل به هدف خود از هیچ عمل فجیعی حتی نابودی تمام افراد آن گروه خاص قومی، ملی، نژادی یا مذهبی دریغ نخواهند نمود. بنابراین یکی از اهداف نسل کشی را می‌توان پاک‌سازی یک گروه خاص توسط یک گروه دیگر عنوان کرد و در این پاک‌سازی‌ها نباید نقش بسیار مهم و پررنگ دولت‌ها را نادیده گرفت. هدف دولت‌ها از اعمال این سیاست آن است که با بیرون راندن دیگر گروه‌ها تا آنجا که ممکن است کشوری متجانس و یکدست بسازند یا حداقل گروه‌های اقلیت را از مناطقی از کشور اخراج نمایند که از ارزش تاریخی و سنتی برخوردار است یا منافع سیاسی و اقتصادی برای قوم اکثریت و حاکم دربردارد. (روستایی و آرش پور، ۱۳۹۵، ص ۴۹)

**۲- عوامل نسل کشی:** بر خلاف برخی از نظریه‌ها که صرفاً یک عامل را برای ارتکاب جرم معرفی نموده و به صورت تک بعدی به موضوع نگاه می‌کنند، باید گفت برای به وقوع پیوستن یک جرم عوامل مختلف و متعددی نقش ایفا می‌کنند که جرم نسل کشی هم همچون سایر جرایم به علت وجود عوامل متعدد به وقوع می‌پیوندد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

**الف) استعمار:** یکی از عواملی که موجب می شود تا بذر نفاق در بین مردم یک سرزمین کاشته و در سال های آینده تبدیل به یک نهال قدرتمند کینه و تعصب شود، موضوع استعمار کشورهای جهان سوم از سوی کشورهای به اصطلاح متمدن می باشد. استعمارگران برای این که به اهداف خود از استعمار سایر سرزمین ها و مردم آن ها دست یابند، اقدام به ایجاد تفرقه در بین مردم سرزمین مورد استعمار نموده و با طرح موضوعاتی همچون ملیت، قومیت، نژاد، خون، رنگ یا مذهب، نفرت و کینه و تعصب کورکورانه را در اذهان گروهی علیه گروه دیگر ایجاد می نمایند و فرصت و شرایط بروز این تفکرات را نیز به وجود می آورند. شرایطی که در بیشتر اوقات تبدیل به یک میدان منازعه برای مردم یک سرزمین شده و مردمی که سالها درکنار یکدیگر با آرامش زندگی کرده بودند ناخواسته وارد عرصه خشونت، قتل و حتی کشتار دسته جمعی شده و ممکن است یکی از فجیع ترین جنایات انسانی یعنی جنایت نسل کشی را به نام خود ثبت نمایند؛ همچون نسل کشی رواندا که در پی استعمار آن کشور از سوی آلمان ها و سپس بلژیکی ها، تفرقه بین قوم هوتو و توتسی به وسیله استعمارگران برای دست یابی به اهداف استعماری خود ایجاد شد و به دنبال اتفاقات خاصی که به وجود آمد بهانه ای شد برای این که یکی از نسل کشی های وحشتناک تاریخ در آن سرزمین ثبت گردد.

**ب) نگرش به خود و دیگری و تبعیض:** تبعیض تنفر آفرین است و کشتار جمعی بالقوه ابتدا در تفکر تبعیض آمیز و تنفر نسبت به غیر خود به وجود می آید و در دنیای امروز بالفعل می شود. زمانی که توهم برتری و کینه و نفرت در ذهن جامعه ایجاد شود نسل کشی می تواند یکی از نتایج این وضعیت باشد و زمانی که برتری جویی و کینه و نفرت و تبعیض از جامعه رخت بر بندد، در آن روز فریاد دستور کشتار جمعی هیتلرها داوطلب اجرا نخواهد داشت. (محاسب، همان، ص ۱۲۷ و ۱۳۳) نوع نگرش به "خود" و در واقع گروه خود که "دیگری" را غیر خودی و بیگانه تلقی می نماید، در فهم اعمال طردها، تحریم ها و در مقیاس شدیدتر، ارتکاب فجایع نسبت به "آن ها" از اهمیت زیادی برخوردار است. پایه های تفکر "ما - آن ها" در ذهن انسان ریشه دار است و زمانی که مرزهای گروهی مشخص شده و تثبیت گردد، انسان تمایل دارد که به "ما" علاقمند باشد زیرا دارای شباهت و خویشاوندی گروهی می باشند و "آن ها" را که دارای حداقل وجه اشتراک هستند، بیگانه و دشمن قلمداد نماید. انسان قابلیت تدریجی دارد که گروه خود را برتر از همه دیگران تلقی نماید. (گل خندان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵۳) در قضیه میانمار نیز بوداییان، مسلمانان را غیر خودی و بیگانه می دانند و به علت عدم اشتراکات دینی دست به کشتار آنان زده و با بدترین شکل ممکن آنان را از خانه و کاشانه خود بیرون کرده و خانه هایشان را آتش زده و آنانی را که نمی کشند مجبور می کنند تا تحت شرایط بسیار سخت از کشور میانمار خارج شوند و شرایط طاقت فرسای اخراج اجباری را بر آن ها تحمیل می نمایند. البته باید سیاست های تبعیض آمیز دولت میانمار را عامل اساسی برای اعمال خشونت ها از سوی بوداییان افراطی علیه مسلمانان میانمار ذکر کرد.

**ج) سلفی گری:** در سال های گذشته هماهنگی و مدارای بین مذاهب و ادیان مختلف از جمله مسلمانان، مسیحیان و بوداییان در جنوب شرق آسیا مورد تهدید سلفی گری قرار گرفته است. نتایج گزارش های منتشره حکایت از این دارد که این خطرات و تهدیدات ناشی از گسترش اشکالی از فرقه گرایی غیرانعطاف پذیر از

جمله 'سلفی گری' است که مورد حمایت برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی قرار دارد. نتایج این گزارش منتشر شده در تارنمای 'اوزی' که مقر اصلی آن در آمریکا قرار دارد، دلالت بر این موضوع دارد که پیدایش گروه های تابع گروه تروریستی داعش در فیلیپین به افزایش تاثیر این نوع از اسلام اشاره دارد که در کشورهای جنوب شرق آسیا مانند، اندونزی، مالزی، میانمار و حتی کامبوج نیز قابل مشاهده است. ضمن آن که اقلیت ها و حتی مسلمانان اکنون خود را هدف این نوع سلفی گری می بینند، می توان گفت اشکال فرقه گرایی مذهبی از نظر تاریخی در این بخش از آسیا جایگاهی نداشته، اما اکنون از طریق بورس های تحصیلی و کمک های مالی در حال ترویج است و این شرایط باعث تفرقه بیشتر در جوامع می شود. براساس این گزارش عربستان سعودی به طور مستقیم تامین مالی این حرکت ها را با انجام اقداماتی از قبیل ساخت مسجد، حمایت از واعظان، ارائه بورسیه و انجام فعالیت های تبلیغی بر عهده دارد و این اقدامات باعث عدم تحمل مذهبی اقلیت ها، بکارگیری قوانین سخت و فرسایش سنت های مسلمانان محلی شده است. سلفی گری به طور عمده از طریق افراد فقیر کشورهای جنوب شرق آسیا که در عربستان تحصیل می کنند و بعد از تحصیل به کشور خود باز می گردند، تشدید می شود. براین اساس این افراد با خود یک 'نگرش فرقه ای' وارد می کنند که می تواند باعث 'اضمحلال جامعه' شود. اقدامات و رفتارهای افراطی برخی از مسلمانان تندروی میانمار در گذشته در به وجود آمدن وضعیت فعلی مسلمانان این کشور بی تاثیر نبوده است؛ رفتارهای افراطی که هرگز مورد تایید دین اسلام ناب محمدی (ص) نبوده، بلکه مذموم نیز می باشد. (گزارش ایرنا در تاریخ بیست و پنجم آذر ماه نود و شش به نقل از تارنمای 'فری مالزی تودی')

**د) عدم بازخواست ملی یا جهانی:** یکی از عواملی که موجب می شود تا در یک سرزمین گروهی اقدام به ارتکاب نسل کشی علیه دیگر افراد آن جامعه نمایند، سکوت مراجع نظارتی ملی یا مجامع حقوق بشری و سایر کشورها می باشد. هنگامی که افراد و گروه ها اطمینان داشته باشند و یا حداقل احتمال بدهند که با ارتکاب جرایم مورد بازخواست مراجع نظارتی در داخل کشور خود یا مراجع نظارتی و مجامع بین المللی قرار نخواهند گرفت و یا در صورت تعقیب جدیتی در کار نخواهد بود، با خیالی آسوده دست به ارتکاب جرم مورد نظر خود خواهند زد و در قضیه میانمار نیز مرتکبین جنایت نسل کشی علیه مسلمانان نه تنها مورد مواخذه مراجع قانونی ملی قرار نگرفته بلکه از حمایت نیز برخوردار بوده و سکوت مجامع بین المللی و سازمان های مدافع حقوق بشر نیز کار را برای مرتکبین جنایت نسل کشی آسان نموده است و بسیاری از کشورهای مدعی حقوق بشر هم در قضیه این کشور هیچ گونه اقدامی را انجام نداده اند و بوداییان افراطی به اقدامات ددمنشانه خود ادامه می دهند.

**۳- آثار نسل کشی:** جنایت نسل کشی همچون تمام پدیده های مجرمانه آثاری را از خود بر جای می گذارد که ممکن است جبران ناپذیر باشد و می توان گفت برخی یا همه عواقب و آثار بر جای مانده از این جنایت فجیع هرگز زودده نمی شود و صرف نظر از این که قربانیان جرم که بر اثر ارتکاب این جرم حیات خود را از دست داده و قطعاً جبران این فاجعه دردناک و برگرداندن حیات از دست رفته قربانی غیر ممکن می باشد،

وقوع نسل کشی برای خانواده قربانیان و بلکه برای جامعه مبتلا به آن آثار بسیار مهمی را در پی خواهد داشت که به برخی از آنها اشاره می شود:

**الف) مخدوش شدن کرامت انسانی:** شأن، حیثیت و کرامت انسان ها از جمله مفاهیم بنیادین حقوق بشر می باشد و همه انسان ها از این جهت با یکدیگر مساوی هستند. انسان در دیدگاه مکاتب الهی به ویژه دین مبین اسلام موجودی شریف، با ارزش و دارای کرامت ذاتی و فطری است. خداوند انسان را جانشین خود در زمین قرارداده است و فرشتگان را امر نموده تا در برابر انسان سجده نمایند. گفته شد در هر کدام از ادیان به کرامت انسان و سعادت او به عنوان هدف اصلی نگریسته شده است و تعالیم و دستوراتی در مورد شأن انسان و منزلت و جایگاه او وجود دارد. هدف اصلی و غایی همه ادیان، گرامی داشتن کرامت انسانی و سعادت اوست. با به وقوع پیوستن نسل کشی کرامت انسانی مخدوش می شود و آنان که به حدی از سبیت می رسند که با انگیزه یا اهداف مختلف دست به ارتکاب یک جنایت دهشتناک و بسیار فجیع بزنند قطعاً هیچ ارزشی برای کرامت انسان ها قائل نبوده و با اقدامات غیر انسانی خود موجب خدشه دار شدن و حتی باعث از بین رفتن کرامت انسانی قربانیان جرم و خانواده آنان می شوند.

**ب) مخدوش شدن حقوق بشر:** حقوق بشر همزاد با پیدایش انسان بوده و با او به وجود آمده است. با سیر در ادبیات، عرفان، عقاید و مذاهب مختلف می بینیم که دعوت به برابری، برادری و ناعدوستی یکی از اصول اولیه آن اندیشه ها است. مفهوم حقوق بشر کهنسال تر از آن است که بتوان آن را به تمدن یا دوره خاصی منتسب کرد. همه مذاهب و همه کتب بزرگ حکمت و ادب از آن دم زده اند. (پروین، همان، ص ۹۷) این در حالی است که با ارتکاب جنایت نسل کشی آن چه که به عنوان حقوق مسلم بشری از آن یاد شده و همه آحاد جامعه بشری و تمامی مجامع و سازمان های بین المللی مهر تایید بر آن زده اند، مورد خدشه قرار گرفته و به نابودی می گراید. حق حیات که از حقوق اولیه بشر می باشد از سوی مرتکبین جنایت نسل کشی نادیده گرفته شده و آنان برای رسیدن به مقاصد خود گروه های مورد هدف را از اولین و طبیعی ترین حقوق خود محروم می نمایند و بسیاری از انسان ها را به مسلخ برده و جانشان را می گیرند. بنابراین یکی از آثار ویرانگر و جبران ناپذیر نسل کشی مخدوش شدن و در برخی موارد نابودی کامل حقوق بشر است.

#### ۴-نگاهی به قضیه میانمار

بودائی های افراطی میانمار مسلمانان را در میان خود نمی خواهند و به همین دلیل جوانان و به خصوص تحصیل کرده های مسلمان را دستگیر کرده و به نقطه نامعلومی می برند، به زنان مسلمان تجاوز می کنند، خانه های آنان را آتش زده و با تحمیل شرایط بسیار سخت مسلمانان را اجبار به خروج از اقامتگاه خود می نمایند. این ها بخشی از جنایات بودیست های افراطی علیه مسلمانان می باشد و دولت میانمار هم با استفاده از سکوت مجامع بین المللی و سایر کشورها چشم بر جنایات ارتكابی در کشور بسته و سیاست های خود علیه مسلمانان را ادامه می دهد. اخراج اجباری گروه مسلمانان از میانمار و کشتار تعداد زیادی از آنان مصادیق رفتارهایی است که با رفتارهای احصاء شده در ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی منطبق می باشد و

باید از این اقدامات به عنوان نسل کشی عصر حاضر نام برد. جنایاتی که کرامت انسانی مسلمانان را نابود کرده، آنان را از اولین حقوق بشری خود محروم می نماید و کارگردانان این سناریوی وحشتناک هدفی جز پاک سازی قومی مسلمانان ندارند؛ هدف و انگیزه ای که از طریق رفتارهای مرتکبین جنایات ارتكابی در میانمار می توان آن را احراز نمود.

### مبحث سوم: پیشگیری

از نظر علمی به هرگونه فعالیت سیاست جنایی که هدف انحصاری یا جزئی آن محدود ساختن امکان پیش آمد مجموعه اعمال جنایی از راه ناممکن ساختن، دشوار کردن یا کاهش وقوع آن باشد، پیشگیری گفته می شود. (آکار، ۱۳۹۴، ص ۱۶۴) در تعریف موسع پیشگیری می توان جلوگیری از وقوع بزه را پیشگیری نامید یا هرآنچه که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد؛ به عبارت دیگر هر اقدامی که نتیجه آن موجب کاهش نرخ بزهکاری گردد پیشگیری نامیده می شود. این مطلب که پیشگیری از وقوع جرم بهتر از برخورد، دستگیری و مجازات است و هزینه پیشگیری بسیار کمتر از مقابله می باشد به یک امر بدیهی تبدیل شده است. پیشگیری از جرم انواعی دارد که شامل پیشگیری اجتماعی، پیشگیری وضعی و پیشگیری کیفری می شود و پیشگیری اجتماعی را باید یکی از تاثیرگذارترین جنبه های پیشگیری از جرم معرفی نمود.

برای جلوگیری از تکرار کشتار جمعی یکی از اقداماتی که در دهه های گذشته انجام شد پیشنهاد انتصاب مشاور و تأسیس کمیته جلوگیری از کشتار جمعی بود. کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد در کنفرانس جلوگیری از کشتار جمعی در استکهلم در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۴ تأسیس کمیته جلوگیری از کشتار جمعی در سازمان ملل را پیشنهاد کرد و اعلام داشت یک مخبر مخصوص برای جلوگیری از کشتار جمعی تعیین شود تا موارد نقض حقوق بشر به طور جمعی و سیستماتیک را که تهدید کننده صلح و امنیت بین المللی است مستقیماً به شورای امنیت گزارش دهد. وی همچنین در ۷ آوریل ۲۰۰۴ در دهمین سالگرد کشتار جمعی ۱۹۹۴ در رواندا از انتصاب مشاور مخصوص در امر جلوگیری از کشتار جمعی اطلاع داد. (محاسب، همان ص ۱۲۲ به نقل از سایت UN GENOCIDE COMMITTEE)

### ۱- پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی فردمحور و مجرم محور بوده و هدف آن ایجاد هماهنگی بین نهادهای مرتبط در زمینه مقابله با عوامل اجتماعی جرم است. عوامل اجتماعی جرم می تواند شامل نابرابری در بهره مندی از فرصت ها و امکانات و ... باشد. پیشگیری از جرم و توسعه فرهنگ پیشگیری مشارکتی و جلب مشارکت های مردم برای سرمایه گذاری نیز در مقوله پیشگیری اجتماعی جای می گیرد. هرگاه از طریق خنثی سازی عوامل جرم زا به دنبال جلوگیری از وقوع جرم باشیم با پیشگیری اجتماعی جامعه مدار روبرو هستیم و هرگاه در مسیر زندگی فرد با مشاهده اولین مظاهر بزهکاری مداخله زودرس داشته باشیم در این صورت با پیشگیری اجتماعی رشد مدار مواجه خواهیم بود. به هر حال هر یک از انواع پیشگیری اجتماعی کارکردهای خاص خود را داشته و ممکن است با معایبی هم همراه باشند. در قضیه میانمار و در حال حاضر پیشگیری اجتماعی نمی تواند پاسخ

لازم و به موقع را داشته باشد زیرا یکی از ویژگی های این نوع پیشگیری زمان بر بودن آن است و نتایج مورد نظر از این پیشگیری نیازمند زمان زیادی می باشد. البته با انجام اقدامات پیشگیرانه اجتماعی می توان از جنایات آینده علیه مسلمانان جلوگیری نمود.

## ۲- پیشگیری وضعی

در این نوع از پیشگیری می توانیم با بالا بردن هزینه های ارتکاب جرم از سود حاصله آن کم کرده و بزهکاران را از ارتکاب جرم منصرف سازیم. در تعریف پیشگیری وضعی می توان گفت ایجاد تغییرات در اوضاع و احوال خاصی که انسان متعارف ممکن است در آن مرتکب جرم شود یا تدبیری که فرصت ها و مناسبت های ارتکاب جرم را کاهش می دهد. جاذبه زدایی از سیل جرم، بالا بردن هزینه، سخت کردن ارتکاب جرم و خطرناک کردن آن از جمله روش های این نوع از پیشگیری می باشد. برای این که بتوان از این نوع پیشگیری در قضیه میانمار استفاده نمود باید روش ها و فرایندها و مصادیق رفتارهای پیشگیرانه وضعی از سوی مسلمانان میانمار به مرحله اجرا درآید به این امید که از میزان جنایات ارتكابی بودائیان کاسته شود. با توجه به سیاست های دولت این کشور به نظر می رسد نمی توان انتظار اقدامات مربوط به پیشگیری وضعی را از سوی دولت میانمار توقع داشت.

## ۳- پیشگیری کیفری

چنانچه اقداماتی که در راستای پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی انجام شده موفق نشود تا از وقوع جرم جلوگیری نماید و فرد مرتکب جرم شود در این صورت جامعه ناگزیر از مجازات نمودن مجرم خواهد بود که این مجازات به طور غیر رسمی یا رسمی انجام خواهد شد و مجازات های غیر رسمی از طریق واکنش های خود به خودی در گروه های نخستین انجام می شود و می تواند به شکل های مختلف باشد؛ ولیکن مجازات رسمی از طریق دستگاه های مجاز در سطح نظام اجتماعی انجام می شود. مجازات های رسمی می تواند به اشکال مختلف باشد از جمله حبس کردن، شلاق زدن، جزای نقدی، اعدام و... و هرچه میزان این نوع مجازات ها بیشتر باشد نشان از عدم موفقیت مکانیسم های کنترل اجتماعی و بروز انحراف و آسیب اجتماعی در جامعه دارد. (آگار، همان، ص ۱۶۷) با توجه به این که دولت میانمار هیچ گونه اقدام قضایی علیه مرتکبین جنایات ارتكابی علیه مسلمانان انجام نمی دهد؛ بلکه خود نیز به طرق مختلف از این جنایات حمایت می کند و از سوی دیگر از آنجا که دیوان کیفری بین المللی صلاحیت رسیدگی به جنایت نسل کشی را دارد؛ لذا انجام پیشگیری کیفری صرفاً از سوی این نهاد بین المللی انتظار می رود که با تشکیل پرونده علیه عاملان جنایات ارتكابی در میانمار از ساز و کار و ظرفیت های قانونی پیش بینی شده در اساسنامه دیوان بهره برده و با مجازات مرتکبین جنایات علیه مسلمانان از ارتكاب نسل کشی و ادامه آن پیشگیری نماید.

## ۴- اقدامات بین المللی در قضیه میانمار

مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ قطعنامه ای علیه وضعیت حقوق بشر در میانمار تصویب نمود که برای اولین بار در آن به تعدادی از کنوانسیون های بین المللی از جمله کنوانسیون منع و مجازات نسل زدایی و

کنونسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ اشاره شده بود. قطعنامه مزبور برای اولین بار از نقض سیستماتیک حقوق بشر در کشور میانمار ابراز نگرانی کرد. در واقع، از سال ۱۹۹۱ تاکنون، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌های متعددی در خصوص غیرنظامیان، کودکان و درگیری‌های مسلحانه صادر کرده و از اوضاع حقوق بشر در کشور میانمار ابراز نگرانی نموده است. (روستایی و آرش پور، ۱۳۹۵، ص ۴۷) چندین دهه است که گزارشگران ویژه حقوق بشر در میانمار و مجمع عمومی سازمان ملل به‌طور هماهنگ بر بروز پدیده شوم جابجایی اجباری در سراسر خاک برمه تأکید کرده و مکرراً از دولت میانمار خواسته‌اند و خامت اوضاع را دریابد و شرایط را برای بازگشت داوطلبانه و استقرار مجدد و کامل آوارگان فراهم کند؛ لکن حقیقت آن است که جامعه‌ی بین‌المللی از نسل‌زدایی نامیدن ظلم و ستمی که در طول دهه‌های اخیر بر مردم روهینگیا تحمیل شده است خودداری نموده و این امر موجب ادامه اقدامات خشونت‌بار دولت میانمار علیه مسلمانان روهینگیا گردیده است. (همان، ص ۵۴ و ۶۸) بنابراین سکوت مرگبار مجامع جهانی و کشورهای غربی موجب شده تا مسلمانان میانمار ضمن زندگی در بدترین وضعیت ممکن، قربانی نسل‌کشی و خشونت‌های قومی و مذهبی در این کشور شوند. خشونت علیه مسلمانان، که قبلاً تنها به ایالت غربی راخین محدود شده بود، در سرتاسر کشور میانمار گسترش یافته است. گروه‌های مهاجم خشمگینی از بودایی‌ها، که برخی با جنبش نظامی "۹۶۹" که به معنای «ویژگی‌های نه‌گانه بودا، شش راه بودا و ویژگی‌های نه‌گانه رهبانیت» است در ارتباطند، در شهرهای مختلف به مسلمانان حمله‌ور شده‌اند. بسیاری از مسلمانان جرأت رفتن به مسجد، وارد شدن به فروشگاه‌های مواد غذایی مسلمانان یا نشان دادن مسلمان بودنشان خارج از خانه‌ها و مغازه‌هایشان را ندارند. در چند سال گذشته، هزاران مسلمان آواره و هزاران مسلمان دیگر نیز کشته شده‌اند. ضعف دولت مرکزی میانمار این قدرت را به اقوام و قبایل تندروی این کشور داده است تا اقدامات وحشیانه و خشونت‌باری را بر ضد اقلیت مسلمانان اعمال کنند. ایجاد پناهگاه‌های اضطراری برای مسلمانان روهینگیا اکنون تبدیل به مکانی دائمی برای آنان شده و این مکان‌ها شبیه به زندان شده است. مسلمانان اجازه خروج از این اردوگاه‌ها و پناهگاه‌ها را ندارند. خشم و نگرانی مسلمانان در این اردوگاه‌ها به اوج خود رسیده است. بر اساس گزارش‌های موجود و مورد تایید رسانه‌های غربی، مسلمانان میکتیلای به فجیع‌ترین وجه ممکن قربانی خشونت‌های بوداییان افراطی شده‌اند و سکوت کشورهای مسلمان در کنار کشورهای غربی و مجامع حقوق بشری علت ادامه یافتن کشتار مسلمانان این کشور دانسته شده است. (گزارش مشرق نیوز در تاریخ بیست و ششم اردیبهشت نود و دو)

به دنبال نسل کشی های فجیعی که در قرن های اخیر به وقوع پیوست و صلح و امنیت جامعه جهانی را با مخاطره همراه نمود، جرم انگاری آن در سطح بین المللی مطرح و النهایه جنایت نسل کشی به عنوان یکی از جرایم داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی وارد و برای عاملان آن مجازات تعیین گردید. برای به وقوع پیوستن این جنایت عوامل متعدد و مختلفی دخالت دارد و همچون سایر جرایم آثار متعددی را از خود بر جای می گذارد که برخی از آثار آن هرگز قابل جبران نخواهد بود. در جرم نسل کشی براساس اساسنامه دیوان کیفری بین المللی باید یکی از اعمال پنج گانه احصاء شده در ماده ۶ آن از سوی مرتکب یا مرتکبین با قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب یافته باشد و احراز این امر (عنصر معنوی جرم) دارای اهمیت بسیار زیاد می باشد و با عدم احراز قصد نابودی تمام یا بخشی از یکی از گروه های مذکور جرم نسل کشی اثبات نخواهد شد. کشور میانمار یکی از کشورهایی است که در دهه های اخیر دستخوش منازعات داخلی میان مسلمانان و بودائیان تندرو شده و دولت این کشور نیز نه تنها از اقدامات فجیع بودائیان جلوگیری نمی نماید؛ بلکه سیاست خود را بر مبنای اخراج اجباری مسلمانان از کشور قرار داده و به نوعی از پاک سازی قومی مسلمانان توسط گروه های افراطی بودائی حمایت می کند و مجامع بین المللی و کشورهای به اصطلاح مدافع حقوق بشر نیز تا کنون اقدام جدی در این خصوص انجام نداده اند و سازمان ملل به صدور چند قطعنامه بسنده نموده است؛ این درحالی است که هزاران مسلمان روهینگیا آواره و تعداد بیشماری نیز به طرز فجیعی جان خود را از دست داده اند. به هر حال، امید است تا سازمان ملل متحد، به عنوان مرجعی که وظیفه رهبری حمایت از صلح جهانی را به عهده دارد، نسبت به ایفای نقش محوری خود در قبال حمایت از مسلمانان روهینگیا اقدام نماید و با همراهی جامعه بین المللی جهت جلوگیری از ارتکاب نسل زدایی علیه مسلمانان میانمار و مجازات عاملین آن بر اساس ظرفیت های حقوق بین الملل کیفری اقدام نماید.



- ۱- آگار، حمید، کریمی منش، ششمین، میرذایی، جمشید، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات پالیز سخن، چاپ اول، ۱۳۹۴، تهران
- ۲- پروین، خیراله، حقوق بشر از نظر تا عمل، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵، تهران
- ۳- شریفی، محسن، ارکان نسل کشی در پرتو اسناد و رویه قضایی بین المللی، تعالی حقوق، سال چهارم، شماره پانزدهم، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، ص ۶۹-۹۴
- ۴- روستائی، علیرضا، آرش پور، علیرضا، پاک سازی قومی مسلمانان میانمار؛ جنایت علیه بشریت یا نسل زدایی؟، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۵، ص ۷۳-۴۵
- ۵- عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیت ها، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۰
- ۶- گل خندان، سمیرا، حاجی ده آبادی، محمد علی، شمس ناتری، محمد ابراهیم، مطالعه جرم شناختی ساختار روانی مرتکبین جرایم علیه بشریت، پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۶۸-۴۸
- ۷- کسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه بیران، حسین، امیر ارجمند، اردشیر، موسوی، زهرا، انتشارات جنگل، چاپ اول، سال ۱۳۸۷
- ۸- محاسب، مهین دخت، کشتار جمعی (ژنوسید)، چاپ اول، ۱۳۸۶، کتابخانه گنج دانش، تهران
- ۹- مفضل، حسین، میانمار (برمه) چاپ دوم، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴
- ۱۰- سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (<http://www.irna.ir>)
- ۱۱- سایت مشرق نیوز (<https://www.mashreghnews.ir>)